



همه چیز تسبیح خدا میگوید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱ - سبح لله ما فی السموات وما فی الارض وهو العزيز الحكيم

: خدا را آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح میگوید ، (واورا

از هر نوع عیب و نقصی تنزیه مینماید) او است عزیز و حکیم .

از حقائق بلند و معارف بزرگ قرآنی ، تسبیح گفتن تمام موجودات آسمانی و زمینی است ، و اینکه تنزیه حق از خصائص انسان نبوده بلکه سلسله هستی از عالیترین نوع گرفته تا برسد به مرغان هوا و کوههای سر برافراشته جهان ، در تمام لحظات خدا را تسبیح میگیرند ، وساحت مقدس او را از شرک و نقص منزه می شمارند .

این حقیقت عالی قرآنی چهارده قرن پیش وسیله يك نبی امی (درس نخوانده) بیان شده است و تا کنون به طور کامل پرده از روی آن برداشته نشده و مفسران بزرگ قرآن به حل نهائی آن موفق نیامده اند . البته پیرامون این موضوع نظرات مختلفی ابراز شده و تاحدی ابهام مطلب بر طرف گردیده است .

قرآن مجید این حقیقت را در سوره های مختلف ، با عبارات گوناگون آورده ، گاهی مطلب را در دایره وسیع تری بیان کرده ، و گاهی سخن از تسبیح رعد و مرغان و کوهها بمیان آورده است .

حل تقریبی موضوع در گرد آوردن قسمتی از آیات مربوط به موضوع است ، تا در اثر دقت و بررسی در خصوصیات آنها ، مطلب تا حدودی حل و روشن گردد . اینک برخی از آیات مربوط به موضوع .

۱- گاهی خداوند این حقیقت را در يك دایره وسیعتری و بصورت يك امر عمومی که همه موجودات را میگیرد ، بیان کرده میفرماید :

وان من شیء الا يسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسبیحهم (الاسراء - ۴۴) : یعنی آنچه در جهان لباس هستی پوشیده و به آن کلمه «شیء» گفته میشود خدا را با ستایش خود تنزیه میکند . ولی شما از تسبیح آنها آگاه نیستید و درک نمی کنید .

دقت فرمائید که در این آیه یاد آور میشود که ما حقیقت تسبیح آنها را نمی فهمیم و این

جمله پایه ردیکی از نظرات معروف است .

۲- گاهی پس از یک بیان عمومی ، تسبیح مرغان هوا را بمیان آورده و چنین می فرماید :
 اَلَمْ تَرَ اِنَّ اللّٰهَ یَسْبِیحُ لَهٗ مِنْ فِی السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ الطَّیْرِ صٰفٰتٍ کُلٌّ قَدْ عَلِمَ صٰلٰتَهٗ وَ تَسْبِیْحَهٗ (النور ۴۱):
 آیا ندیدی که آنچه در آسمانها و زمین است و مرغان گشاده بال خدا را تسبیح گفته ، و هر کدام
 به دعا و تنزیه خود آشنا است . دقت بفرمائید که در این آیه تمام موجودات را نسبت به وظیفه
 تسبیح آشنا دانسته و باصطلاح نسبت علم با آنها داده می فرماید «کل قد علم صلوته و تسبیحه» .
 هر کدام بدعا و تسبیح خود آشناست .

۳ - در برخی از آیات تسبیح کوهها آنهم در وقت معین (شبانگاه و صبحگاه) بیان شده
 و چنین می فرماید : اَنَا سَخَرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ ، یَسْبِحنَ بِالْعَشِیِّ وَ الْاَشْرَاقِ : ما کوهها را برای
 (داود) رام کرده و آنها شبانگاه و صبحگاه خدا را تسبیح میگویند .

۴- بار چهارم ، تسبیح رعدا را متذکر شده و چنین می فرماید : یَسْبِیحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ (رعد: ۱۳):
 رعد با حمد و ثنای خود ، خدا را از عیب و نقص تنزیه مینماید .

اکنون ما نظرات دانشمندان تفسیر را درباره این حقیقت قرآنی منعکس میسازیم .

الف : بسیاری از مفسران ، تسبیح موجودات جهان را چنین تفسیر مینمایند : نظم و نظام
 شگفت انگیز هر موجودی با رمز و اقیانسی که در ساختمان آن بکار رفته است ، شاهد و گواه بر
 قدرت بی نهایت و عقل و شعور و حکمت بی پایان سازنده او است .

سازمان دقیق و اسرار پیچیده هر موجودی همانطوریکه بوجود صانع خود گواهی میدهند
 بلسان تکوینی گواهی میدهد که خالق آن دانا و توانا است و از هر نوع عجز و جهل مبرا
 و منزله است .

مثلاً در تنزیه حق از شرک چنین گواهی میدهد : نظام واحدی که بربیک «اتم» و بر مجموعه
 منظومه شمسی ما حکومت میکند ، گواهی میدهد که همه سازمان هستی زیر نظریک آفریدگار
 به وجود آمده است ، و هیچ کس در پدید آوردن هستی ، دخالت نداشته و اثر و نظام یگانه حاکمی
 از وحدت مؤثر ، و نبودن هر نوع شریک و انباز برای او است و در نتیجه هر موجودی ، روی مشابَهت
 در نظم با تمام موجودات جهانی ، خدا را از شرک تنزیه و تقدیس میکند .

این نظر که مورد اتکاء بسیاری از مفسران است از دو جهت قابل دقت و ملاحظه است :

۱- اگر منظور خدا از تسبیح تمام موجودات این باشد که در این نظر بیان شده است این
 حقیقتی است که همه ما آنرا درک کرده و می فهمیم ، دیگر جا ندارد قرآن در سوره اسراء آیه
 ۴۴ بفرماید وَلٰکن لَاتَفْقَهُونَ تَسْبِیحَهُمْ : شماها تسبیح آنها را نمی فهمید زیرا این نوع تنزیه را
 همه افراد به فراخور حال خود درک کرده و می فهمند .

برخی برای اصلاح این نظر ناچار شدند که جمله «لا تفقهون» را بمعنای عدم توجه بگیرند و بگویند که اکثر مردم باین مطلب توجه ندارند . ولی ناگفته پیداست که توجه مزبور برای جمله فوق خلاف ظاهر آن است و اگر منظور خدا این بود ، مناسب بود که بفرماید : واتمعه غافلون - و امثال آن .

۲ - اگر تسبیح موجودات جهان باین معنی است که از تدبیر در ساختمان وجودی آنها ، این نوع تنزیه تکوینی را درک میکنیم چرا قرآن در سوره نور آیه ۴۱ میفرماید که آسمانها و زمین و مرغان به دعا و تنزیه خود آشنا هستند و به عبارت دیگر چرا بطور آشکار به آنها نسبت علم و دانستن داده میگوید :

کل قد علم صلواته و تسبیحه هر کدام به راز و نیاز و تسبیح خود آگاه است ، در صورتی که روی این نظر هیچ کدام از آنها ، از تنزیه و تسبیح خود اطلاعی ندارند ، بلکه فقط ما هستیم که از روی دقت و امان نظر لسان تکوینی و زبان حمد و ثنای آنها را درک میکنیم ، و گرنه خود آنها کوچکترین توجهی به کار خود ندارند .

۳ - اگر منظور از تسبیح کائنات ، این باشد که بیشتر مفسران انتخاب کرده اند این نوع تسبیح وقت معین ندارد بلکه حقیقی است که بشر هر موقع در سازمان هر موجودی دقت و رزد آنرا درک می کند ، در صورتی که قرآن تسبیح کوهها را مقید به شبانگاه و صبحگاه فرموده چنانکه در سوره ص آیه ۱۸ به آن تصریح نموده و فرموده **یسبحن بالعشی و الابکار** .

روی این ملاحظات با اینکه خود این تسبیح تکوینی و اینکه هر موجودی با زبان تکوینی خود خالق خود را از هر نوع عیب و نقص تنزیه مینماید ، مطلبی است صحیح ، ولی نمیتوان که آیات مربوط به تسبیح گفتن کائنات را ناظر به این نوع از تنزیه و تسبیح دانست . ما در شماره آینده نظرات دیگری را که از مفسران عالیقدر بر ازشده منعکس مینمائیم . در پایان مطلبی را که مربوط به همه سوره است یاد آور میگردیم .

این سوره مدنی است .

آیاتی را که پیش از مهاجرت پیامبر به مدینه نازل شده است «مکی» و آنهایی که پس از هجرت نازل گردیده اند مدنی مینامند .

برای شناسائی سوره های مکی از مدنی ، بهترین راه مراجعه به مضامین سوره است ، زیرا در محیط مکه طرف سخن مشرکان و بت پرستان بودند ، طبعاً باید محور سخن همان توحید و معاد و سایر معارف اساسی اسلام باشد ، و برای ارشاد و هدایت چنین گروه لجوج که زیر بار رسول خدا نمیرفتند لازم بود ، که سرگذشت بد و عبرت انگیز اقوام و مللی گفته شود که از اطاعت خداوند و رسول وی سرپیچی میکردند ، دیگر در این محیط مسأله جهاد فی سبیل الله و احتیاج با یهود و نصاری و بیان فروع عملی دین مطرح نبود .

ولی طرف سخین در مدینه مسلمانان و اقلیت‌هایی از یهود و نصاری بوده و در هر لحظه مرکز اسلام از طرف مهاجمان در آستانه خطر قرار می‌گرفت ، و مسلمانان اصول دین و معارف حقه اسلامی را از جان و دل پذیرفته بودند . وقت آن رسیده بود که دستورات لازم درباره جهاد به آنها داده شود ، و مؤمنان مطالب مربوط به مسائل اخلاقی و اجتماعی و احکام عملی را از قائد اعظم خود فرا گیرند .

بنابراین از مطالعه مضامین سوره میتوان تشخیص داد که ظرف نزول سوره چه زمانی بوده است .

مثلاً بیشتر آیات این سوره که از ۱۴ آیه تجاوز نمی‌کند ، گواهی میدهد که محل نزول آیه مدینه بوده زیرا مسائل مربوط به پس از هجرت در این سوره مطرح گردیده است اینک رؤس مطالب این سوره بعد از مسأله تسبیح بقره زیر است :

- ۱ - گفتار باید با کردار توأم گردد . و در غیر این صورت گناهی است بزرگ .
 - ۲ - جهاد فی سبیل الله . - ۳ - شکایت موسی از قوم خود . - ۴ - حضرت مسیح از بعثت پیامبر اسلام با ذکر نام وی خبر میدهد . ۵ - گروهی که می‌خواهند نور خدا را خاموش سازند .
 - ۶ - گروهی با ایمان باید مانند حواریون مسیح جان‌نثار و فداکار باشند .
- دقت در اکثر مضامین این مطالب گواهی میدهد که این سوره پس از مهاجرت پیامبر به مدینه ، در آن زمانی که مسیحیان شبه جزیره با پیامبر اسلام در حال تماس بودند نازل شده . و هرگز محیط مکه با بیشترین مطالب سازگار نبوده است .

(بقیه از ص ۵)

جنگال دشمنان نجات دهند .

مسلمانان هرگز نباید از مشکلات عظیمی که در این راه در پیش دارند بهراسند و از نیروهای عظیم استعماری که می‌کوشد بر این سرزمینهای مقدس تسلط یابد و حشمتی بخود راه دهند . آنها باید از نیاکان خود ، از مجاهدان جنگهای صلیبی ، از آن آزاد مردانی که با فداکاریها و دلاوریهای بی نظیر خود این میراث عظیم اسلامی را حفظ نمودند و با جان و دل از آن حمایت کردند ، سرمشق بگیرند و تا اراضی اشغال شده اسلامی از دست دشمن بیرون نیاید از پای ننشینند .

مسلمانان باید بدانند تا زمانی که مقدسات آنها بدست بیگانگان است حق ندارند انتظار محافظت از آنرا از دشمن داشته باشند ، و باید همواره در انتظار خیر دردناک و فاجعه تازه ای باشند . مسلمانان باید اذهر نژاد و هر جمعیتی بدون هیچگونه تبعیض ، با همبستگی هر چه بیشتر ، با صمیمیت و اتحاد هر چه تمامتر برای نجات اراضی اشغال شده ، برای حفظ مقدسات خود که با حیثیت و آبروی آنها بسته است بپاخیزند ، و وعده الهی را فراموش نکنند آنجا که میفرماید : «ست نشوید و غم مخورید شما پیروید اگر ایمان داشته باشید» .